

|  |  |
| --- | --- |
| **معماری سبك پارتي** | |
| روشهای معماری سلسله­های اشکانی و ساسانی در ایران تحت عنوان شیوۀ معماری پارتی مشخص می­گردد. پس از انقراض حکومت سلوکیان به دست «ارشک » ( بنیان گذار سلسله اشکانیان )، قوم ایرانی نژاد « پارت » بر ایران مسلط می شود و بار دیگر اداره و کنترل کشور بدست ایرانیان می افتد و دوران غلبه عنصر هنری یونان، در ایران خاتمه می یابد. معماری پارتی با معماری پارسی تفاوت های بسیار دارد. در این دوره امکان فراهم آوردن بهترین و مرغوب ترین مصالح ساختمان از دورترین نقاط کشور وجود نداشت، بنابراین ساختمان ها بیشتر با مصالح دم دست و بومی ساخته می شدند. در این دوره معماران به جای بکاربردن تیرهای جهت پوشش افقی سقف ها، روش دیگری را برای پوشش نهایی ساختمان­ها به کار گرفتند که شاید مهمترین تحول معماری قبل از اسلام در ایران باشد. بدین ترتیب استفاده از **گنبد** ( بجای سقف که برای تحمل وزن آن علاوه بر تیر و تیرچه های چوبی داخل سقف، می بایست تعداد زیادی ستون سنگی نیز در زیر آن بکار روند ) شروع می شود. علاوه برگنبد، **پوشش­های طاقی و قوسی نیز در ساختمان­ها همزمان با گنبد** آغاز می شوند. به کمک این نوع پوشش­ها معماران این دوره توانستند دهانه های بزرگی را بدون نیاز به ستون بپوشانند. تمام پوشش ها در این دوره به تقلید از شکل پوسته تخم مرغ و « هلوچین » ( بیز یا تاب ) ساخته می شوند و به همین دلیل اسامی بیشتر قوس های این دوره از اسم تخم مرغ ( خاگ ) و تاب گرفته شده است مثل « هلوچین » – « بیز » – « خاگی » و مرغانه ». بناهای این دوره دارای حیاطی بودند که ایوان ها بطرف آن باز می شد و اطراف آن ها را باروهایی می ساختند. سیستم « حیاط مرکزی » که از ویژگی های معماری « درون گرای » ایران است در این دوره رسمیت یافت. در این دوره نیز مثل عهد هخامنشیان در ساختمان های با عظمت قرینه بودن بنا ( جفت )، رعایت می شده است. همچنین در بناها یا حتی کاخ هایی که برای اقامت و زندگی ساخته می شوند از سیستم « پدجفت » (عدم رعایت تقارن در ساختمان که باعث تنوع فضاهای معمارانه می گردد ) استفاده می شد و این امر را **در کاخ « سروستان » به آن درجه رعایت کرده اند که حتی دو فضای یکسان در این کاخ دیده نمی شود.**  مصالح ساختمانی مورد استفاده در زمان **اشکانیان بیشتر سنگهای پاکتراش** و در زمان **ساسانیان** اکثرا” از **خشت خام، خشت پخته و سنگ لاشه** ( لاشه سنگ ) می باشند. برای آراستن ساختمان ها کاشیهای لعابدار و لاجورد و نیز اندود گچ مورد استفاده قرار می گرفت. لازم به توضیح است که هنر گچ بری در زمان ساسانیان به اوج خود می رسد و زیباترین نقوش برجسته گچی در این دوره زینت بخش ساختمان های مختلف می گردند. هم چنین برای فرش کردن کف کاخ­ها از سنگ ریزه­های رنگی استفاده می­کردند. یکی از ملات­های مورد استفاده در این دوره ملات « گیرچارو » ( قیرچارو ) می­باشد. ملات قیر چارو تشکیل شده از: شیرآهک، خاک رس شسته شده و آسیا شده، گچ نیم پخته و نیم کوب، گاورس ( ماسه ای با دانه هایی به اندازه ارزن ) شکرسنگ، شیره ساخته انگور یا خرما، بعضی اوقات پشم بز یا پشم شتر نیز به این ملات اضافه می­کرده­اند. این ملات به علت استحکام زیاد در مقابل فشار و هم چنین داشتن مقاومت مطلوب در مقابل نفوذ آب در دیوار سد­ها و پایه پل­ها و هم چنین برای اندود سقف ساختمان ها و غیره مورد استفاده قرار می­گرفته است. هم چنین ملات دیگری بنام « ساروج » ( چارو ) که تشکیل شده شیر آهک، خاک رس لویی و پیرز و احتمالا” خاکستر و … می باشد برای ساخت بناهای آبی مورد استفاده قرار می گرفته است.  یکی دیگر از ویژگی­های معماری پارتی استفاده از طرح­های متنوع و غیر­یکنواخت در بناها است، بگونه­ای که حتی **دو ساختمان** را نمی­توان یافت که **نقشه­های یکسان** داشته باشند ( به غیر از رعایت اصول اساسی و عمده )، برعکس طرح کلیساها یا دیگر ابنیه اروپایی که در یک دوره خاص غالباً دارای طرح و نقشه­ای یکسان می­باشند. آثار باقیمانده از این دوره غالباً در خارج از مرزهای فعلی ایران قرا دارند.   از آثار باقیمانده دوره اشکانیان می توان موارد زیر را نام برد : کاخ آشور، کاخ هیترا ( هتره ) که به عربی الحضر گفته می شود، آتشکده تخت سلیمان ( این مکان در دوره ساسانیان به تخت طاقدیس معروف شد )، معبد آناهیتا در کنگاور.  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/1.jpg  کاخ آشور  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/2.jpg  کاخ هیترا ( هتره )  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/3.jpg  آتشکده تخت سلیمان  (تخت طاقدیس)  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/4.jpg  معبد آناهیتا در کنگاور  همانطور که قبلا” گفته شد قرار دادن یک حیاط سرباز در وسط ساختمان که نمایانگر حالت « درون گرا » در معماری یا فرهنگ زندگی کردن مردم است در این دوره ( اشکانیان ) رسمیت یافت و بعدا”، بخصوص در دوران اسلامی معماری ایران این سیستم همچنان مورد استفاده قرار می گرفت و تقریبا” در تمام انواع ساختمان ها بکار می رفت، بطوری که اغلب ( اکثریت قریب به اتفاق ) مساجد، مدارس و کاروانسراها، منازل مسکونی و … دارای حیاط مرکزی بودند. قرار دادن چهار ایوان در چهار طرف این حیاط مرکزی نیز از این دوره شروع شده است و به سبک **چهار ایوانی** معروف است. این طرح که کاملا” ایرانی و خالص است در دوران اسلامی بویژه برای ساختمان مساجد مهم و عمده ( مساجد جامع ) بکار رفته است.  آثار باقیمانده از دوره ساسانیان عبارتند از:  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/5.jpg  طاق کسری در تیسفون  طاق کسری در تیسفون که مهمترین بنای باقی مانده از این دوره است. این کاخ در زمان شاپور اول در نیمه **دوم قرن سوم میلادی** ساخته شده است. طاقی که ایوان مرکزی را می پوشاند با دهانه ۲۵ متر از آجر ساخته شده است و بزرگترین پوشش قوسی ( گهواره ای ) است که تابحال در جهان با مصالح ساده بنایی و بدون قالب بندی و « استراکچر » باربر ساخته شده است. بلندی طاق کسری ۳۴ متر و ضخامت دیوارهای آن در پائین ۷ متر بوده است، در ایوان مرکزی این ساختمان قالی معروف « بهارستان » قرار داشته است. کاخ فیروزآباد که مشابه با ساختمان های دوره اشکانی ساخته شد. مناره تهرگور ( فیروزآباد ) که برفراز آن آتش مقدس و جاویدان می سوخته است. کاخ بیشابور که دارای سالن اصلی به شکل مربع و مساحت ۷۰ مترمربع است و با گنبدی پوشیده شده است. مصالح مورد استفاده دراین کاخ، سنگ لاشه، آجر، ملات گچ و آهک بوده است. تخت سلیمان که در سال ۶۱۸ میلادی به دست خسرو دوم ساخته شد و ابتدا « شیز » یا  « گنزه » نام داشت. آتشکده معروف آذرگشسب در این مجموعه واقع بوده است. معبد چهارقاپو که بزرگترین گنبد دوره ساسانیان بر روی آن ساخته شده بود در قصر شیرین واقع است. کاخ سروستان که دارای یک ایوان مرکزی با پوشش گنبدی است. آتشکده نیاسر در نزدیکی کاشان،  ایوان کرخه در فارس، پل ها و بندهای شوشتر و دزفول در خوزستان، طاق بستان در کرمانشاه ( باختران )، چهارطاقی رباط سفید واقع در خراسان.  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/6.jpg  کاخ فیروزآباد        کاخ بیشابور    http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/8.jpg  آتشکده آذرگشسب  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/9.jpg  کاخ سروستان    http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/10.jpg  آتشکده نیاسر  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/11.jpg  ایوان کرخه  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/12.jpg  طاق بستان کرمانشاه   با وجود اینکه روشهای معماری اشکانیان و ساسانیان بطور مشترک تحت عنوان شیوه پارتی نامگذاری شده است و دارای خصوصیات عمده و هماهنگی می باشند، تفاوت­هایی نیز در معماری و سایر هنرهای این دو وجود دارد.اشکانیان که بعد از سلوکیان به قدرت رسیدند (سلوکیان، یعنی همان جانشینان اسکندر مقدونی در ایران اصلاًیونانی بودند و در سلطه خود بر ایران فرهنگ و هنر یونانی را در ایران رواج دادند ) دنباله­روی دستاوردهای فرهنگی و هنری یونانی بودند. البته فرهنگ دوره اشکانی یک فرهنگ ایرانی است که تلاش می­کند بقایای تسلط یونانیان بر ایران را از میان بردارد و تمدن و فرهنگ ملی را دوباره برقرار نمایند. اشکانیان در این مبارزه پیروز شدند و ابداعات و نوآوری­های آنان الهام بخش و مبنای تمدن ساسانیان و حتی فرهنگ­های اسلامی ایران شد. ساسانیان نیز در واقع ادامه­دهنده راه پیشینیان خود بودند. اینان خود را از نژاد پارس و وابسته به هخامنشیان می­دانستند و جهت بازگردانیدن شکوه و جلال دوره هخامنشیان به ایران تلاش می­کردند. بناهای دوره ساسانی درعین حال که نقطه­نظرهای معماری هخامنشیان را گوشزد می­کند، ادامه­دهنده و کامل­کننده تکنیک­های معماری اشکانیان است. درحالی که اختراع گنبد و استفاده از پوشش­های قوسی مهمترین و بزرگترین شیوه معماری پارتی و دوره ساسانی است، توجه به عظمت و بلندی و شکوه در معماری ساسانیان یادآور فرهنگ معماری هخامنشیان است، نقوش برجسته سنگی دوره ساسانیان با همه شباهتی که به حجاری­های عهد هخامنشیان دارد، از نظر محتوا و موضوع با آنها تفاوت دارد. در حجاریهای عهد ساسانیان جنبه نقل حکایت و روایت از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین تحرک و تنوع نیز در این آثار بیشتر به چشم می­خورد به عنوان مثال در دوره ساسانی پادشاه سوار بر اسب و درحال شکار و یا جنگ نشان داده می­شود و در دوره هخامنشی درحالی که سوار برتخت پادشاهی نشسته و به تظلم یک مظلوم گوش فرا می­دهد و اما در دوره اشکانی پیکره­ها از تناسب و ابعادی برخوردارند که خاص هنر یونانی است. همچنین توجه به جزئیات و ریزه­کاری­های موضوع مورد ساخت در این دوره مهمتر از هنر یونانی است. آثار دوره ساسانی معرف عظمت و جلال دربار ساسانی است همانطور که حجاریهای تخت جمشید معرف شکوه و جلال دربار هخامنشیان است.  **قوس و گنبد**  اختراع گنبد در دوره اشکانیان بزرگترین تحول در معماری قبل از اسلام ایران محسوب می­شود. مهمترین ویژگی گنبد ایرانی ساخت آن برروی پلان چهارگوش (­مربع­) است. جهت انطباق پلان دایره برمربع از سیستم گوشوار (­شکنج­) استفاده می­شده است. قبل از توضیح بیشتر درمورد گنبد به قوس پرداخته می­شود. قوس (­چفد) در معماری ایران سابقه بسیار طولانی دارد. در معبد زیرین زیگورات عیلامی چغازنبیل انواع و اقسام قوس­های مختلف جناغی و حتی کلیل مشاهده شده است. در عهد هخامنشیان در ساختمان­های رسمی و دولتی از قوس جهت پوشش استفاده نمی­شده، به دلیل اینکه امپراطوری هخامنشی امکان تهیه بهترین نوع چوب را جهت استفاده در سقف­های افقی ( به عنوان عضو باربر) داشت. امّا در همین دوران خانه­های مردم عادی به کمک انواع قوس­های « خاگی » و « هلوچین » و حتی « جناغی » ساخته می شدند. بهرحال برای پوشاندن سقف ساختمان دو راه وجود داشته است یا به کمک اعضای باربر ( چوب محکم و آب گرفته شده ) که داخل سقف به عنوان تیراصلی و تیرچه کار می­کرده­اند، سقف را افقی می زده­اند که در این صورت اگر دهانه خیلی بزرگ و وسیع باشد برای نگهداری وزن سقف به ستون احتیاج داشته­اند و یا با ایجاد تحدب در سقف آن را بصورت طاق ( پوشش قوسی و منحنی ) درمی­آورده­اند تا بتواند خود را نگه دارد. مزیت پوشش­های قوسی این است که دهانه­های نسبتاً بزرگ را بدون احتیاج به ستون براحتی می پوشانده است. راه اول جهت پوشاندن سقف احتیاج به صرف هزینه و وقت و تکنیک زیادی دارد، در نتیجه فقط در بعضی از مقاطع تاریخ معماری و شاید بتوان گفت به ندرت به آن برمی­خوریم \_ دوره هخامنشیان و ندرتاً دوره صفویه ). بنابراین پوشش­های قوسی و گنبدی در اکثریت قریب به اتفاق بناهای باستانی به چشم می­خورد و در نتیجه شناخت فرم و عملکرد آن ضروری است. در پوشش­های افقی (عهد هخامنشیان) وزن سقف به طور عمودی به ستونها و دیوارها منتقل می­شود و از طریق آنها به زمین می­رسد و با عکس العمل زمین خنثی می­شود. اینگونه انتقال نیروی سقف به زمین ایده­آل ترین حالت ممکن است و با توجه با اینکه ستونها و دیوارهای عمودی به راحتی نیروی فشار عمودی را تحمل می­کنند ساختمان کاملاً ایستا و پابرجا خواهد بود. اما درمورد پوشش های قوسی و گنبدها مسئله انتقال نیروی سقف ( وزن خود سقف ) به این سادگی نیست. بطور کلی در تمام پوشش­های غیر­افقی وزن سقف بطور مایل ( تحت یک مولفه مایل نیرو ) بر دیوارها و جرزها اثر می­کند. اگر این مولفه مایل را فرضاً به دو مولفه افقی و عمودی تقسیم کنیم: بخشی از نیرو که همراه مولفه عمودی بر جرزها و دیوارها اثر می کند بسهولت به زمین منتقل شده و با عکس العمل زمین خنثی می گردد ( مثل سقف افقی ). ولی مولفه افقی به تنهایی عاملی می شود برای خراب کردن ساختمان ( از هم راندن دیوار ها ). برای خنثی کردن این مولفه افقی نیرو تنها راه حلی که وجود داشته ضخیم کردن دیوارها بوده است. باید دیوارها یا جرزهایی که پوشش قوسی و گنبدی برروی آن قرار می گیرند تا حدی ضخیم بشوند که جلوی اثر مولفه افقی نیرو را بگیرند. برآیند دو مولفه افقی و عمودی را که یک جهت اثر مایل پیدا می کند نیروی رانش یا نیروی از هم گسستن می گویند. در طاق کسری برای جلوگیری از نیروی رانش حاصل از وزن سقف قطر جرزها را در پائین به ۷ متر رسانده اند. البته هرچه از پائین به بالا می رویم ضخامت جرزها کمتر می شوند.  در هیچ دوره ای از تاریخ معماری ایران نیم دایره به عنوان قوس باربر مورد استفاده قرار نگرفته است. چون معماری ایرانی به تجربه می دانسته که نیم دایره در مقام مقایسه با قوس های خاگی ( هلوچین ) از مقاومت بسیار ناچیزی برخوردار است. اگر یک قوس را حول محور تقارن عمودی دوران دهیم پوسته ای که در فضا ایجاد می شود گنبد است. بنابراین گنبد از دوران یک قوس حول محور تقارن عمودی آن بوجود می آید. ( این تعریف ریاضی گنبد است. ) از ویژگی های گنبد ایرانی این است که آنرا برروی زمینه چهارگوش بنا می کرده اند. برای این کار می بایست اول مربع را به هشت گوش و سپس شانزده گوش و بالاخره به دایره تبدیل می کردند و این کار فقط با پوشش گوشه ها امکان پذیر می شد. معماران ایرانی برای پوشش گوشه ها دو روش پدید آوردند کی یکی را « سکنج « و دیگری را « ترنبه » می گویند. شکنج، کنج بیرون جسته و ترنبه حفره پیش آمده است. سکنج و ترنبه با چوب و سپس بکمک طاق های کوچک بیضی و شیپوری اریب بصورت فیلپوش و گوشوار ساخته می شدند. بطور کلی در فرم های قوسی و گنبد  انتقال نیروی وزن اصولا”با مکانیزم پوسته ای (غشایی ) و اندکی نیروی خمشی صورت میگیرد. از اینرو فرم های قوسی شکل هلوچین و خاگی مناسب هستند چون شکل آنها به منحنی انتقال نیروها ( منحنی « فونیکلوریک » که معمار سنتی ایران آنها را میانتار می نامیده است ) نزدیک است لذا قوس های خاگی مقاوم تر و بادوام تر از سایر قوسهای شناخته شده است. در سرزمین های دیگر مثلا” روم یا یونان شکل نیمکره را برای گنبد بر می گزیدند و چون منحنی نیروها میانتار رانش بر شکل نیم دایره ( نیم کره ) منطبق نمی شود برای جلوگیری از رانش ناگزیر از ضخیم نمودن بیش از حد جرزهای جانبی گنبد خانه و حتی خود پوسته گنبدی بوده اند در صورتیکه معماران ایرانی شکلهای تخم مرغی و هلو چین ( بیز – تاب ) را برای ساخت گنبد یا قوس بکار می بردند که این فرم ها خودبخود میانتار رانش بوده اند. این حسن انتخاب برای فرم قوس و گنبد ضمن اینکه حاکی از درک والای فنی معمار ایرانی است به او اجازه میداد که بتواند ضخامت گنبد را در پاکار ( شروع گنبد از پائین ) تنها به اندازه یک شانزدهم دهانه گنبد بگیرد که البته هرچه بالاتر میرفت نازکتر می شد تا به « کلاله » می رسید. بتدریج هرقدر گنبد از پاکار به بالا می رود ( کلاله ) ضخامت پوسته آن کمتر می گردد.  لاچسبانی  روش لاچسبانی جهت پوشش طاق های قوسی شکل گهواره ای بدین ترتیب است که لایه های خشت خام و یا آجر که برای ساختن طاق بکار می رفته اند با انحرافی نسبت به صفحات قائم فرضی ساخته می شدند. بدین ترتیب طاق از حلقه های قوسی شکلی تشکیل می شده است که هر حلقه بر روی حلقه پیشین ساخته می شده است و هر حلقه نسبت به صفحه قائم مایل بوده است. مایل بودن حلقه های تشکیل دهنده این نوع طاق ها باعث می شده است که ملات مورد مصرف بین لایه های مختلف بیشتر و بهتر آن ها را بهم بچسباند ( چون نیروی وزن این لایه ها بر آنها اثر کرده و باعث بیشتر فشرده شدن ملات میشده است. ) بهرحال ساختمان طاق ها به این ترتیب از یک انتها شروع شده و بتدریج در درازای طاق پیش می رفته است.   دیوار انتهایی که وزن لایه های مایل بر آن اثر می کند اسپر به معنای سپر و یا دیافراگم خوانده می شود. دیوارهای عمودی که قوس بر روی آن دو واقع می شود و برای جلوگیری از نیروی رانش طاق مجبوریم ضخامت آنها را در پائین زیاد کنیم « پاکار » خوانده می شود. بهترین نمونه از سیستم لاچسبانی طاق کسری در تیسفون می باشد که در حدود سال ۵۵۰ میلادی ساخته شده است. بدلیل اینکه پاکارها بتوانند براحتی نیروی عمودی وزن سقف و همچنین نیروی رانش جانبی سقف را تحمل کنند ضخامت آن ها را زیاد می گیرند. هرگونه عامل تضعیف کننده مثل حفره یا درب یا پنجره برروی دیوارهای جانبی طاق موجب خرابی طاق می شود بهمین دلیل معمولا” روی پاکارها درب یا پنجره یا … وجود ندارد.نمونه سیستم طاق و قوس سازی دوره اشکانی در کاخ هترا بکاررفته است. مهندسین و معماران سنتی ایران کاملا” به رفتار مکانیکی و استاتیکی قوس ها و گنبدها آشنا بوده اند و بهمین دلیل نمونه های برجسته و بی همتایی از این سیستم ساختمانی را در ایران به وفور مشاهده می کنیم. ( چه قبل و چه بعد از اسلام )        سیستم چهار طاقی  سیستم ساختمانی چهار طاقی از زمان اشکانیان و ساسانیان در ایران پدید آمده است. چهارطاقی در واقع یکی از فرم های احداث گنبد بر روی پلان چهارگوش است که به دلیل سادگی و بی پیرایگی و درعین حال خلوص و وحدتی که در این نوع ساختمان وجود دارد یکی از جاافتاده ترین و رایج ترین فرم های ساختمانی شیوه پارتی است. تمام آتشکده های اشکانی و ساسانی با این سیستم ساختمانی ساخته شده بودند چهارطاقی در عین سادگی، گیرا و روحانی است و باعث ایجاد آرامشی خاص می گردد. این ویژگی ها که نمایانگر تکامل فرم ساختمانی گنبد بر روی پلان مربع است در چهارچوب کشور ایران باقی نماند و فرهنگ های سرزمین های دیگری را نیز تحت تاثیر قرار داد و به سرزمین های شرق و غرب ایران راه یافت. در شرق در معابد بودایی و در غرب در مساکن مقدس مسیحیان نفوذ کرد و سبک های معماری ایشان را تکامل و غنی بخشید. در ایران بعد از اسلام نیز در ساختمان مساجد بکار گرفته شد ( دوران صدر اسلام ) و بسیاری از مساجد و مقابر دوران اسلامی ایران ملهم از این روش عالی ساختمانی است. به همراه این سبک، سیستم ساختمانی چهار ایوانی که دارای یک حیاط سرباز و مرکزی نیز بود گسترش یافت. بسیاری از خانه ها و اماکن مسکونی با سیستم چهار ایوانی ساخته شدند. هنوز هم نمونه های خانه های چهار ایوانی در یزد و کرمان ( مناطق زرتشتی نشین ایران ) بسیار بچشم می خورد. علاوه بر خانه های مسکونی، سیستم چهار ایوانی برای ساخت مساجد و مدارس و … نیز مورد استفاده قرار گرفت. در بعضی از نمونه های آتشکده ها ( چهارطاقی ها ) در اطراف بنا راهرویی ایجاد می کرده اند که در هر چهار طرف دیوار آن یک ورودی ساخته می شده است. آتش مقدس و جاویدان کاملا” در وسط و زیر گنبد نگهداری می شده است. در برخی از آتشکده ها در جلوی آن ها حوض آب و احتمالا” بناهایی وابسته به آتشکده قرار داشته است. در آتشکده های بزرگ، جلوی فضای چهارطاقی یک ایوان قرار داشت که همین شکل بعدها در ساختمان مساجد مورد تقلید قرار گرفت. آتشکده ها علاوه بر عملکرد مذهبی و عبادی، دارای عملکردهای قضایی، آموزشی و گاه درمانی نیز بوده اند.  با توجه به شکل ۸ تقسیمات ویژه هندسی در نمای آتشکده ها مشخص می شود. مربعی که دوره ظاهری نمای چهارطاقی قرار گرفته است همان ابعاد مربع دوره ظاهری پلان چهارطاقی را دارا است و بنابراین می توان گفت که تقریبا” حجم چهارطاقی درون یک مکعب محاط می گردد و می گنجد. چنین حالتی را در معماری خالص گرایی ( پوریسم ) می گویند. ( پوریسم در واقع توجه به فرم های اصیل هندسی شکل مکعب و انطباق آن با حجم ساختمان می باشد. ) توضیح خالص گرایی در معماری بسیار مفصل و طولانی است که در این جا فقط به ذکر جمله ای از آن اکتفا شد.  در خاتمه این بحث ضمن مقایسه معماری مجموعه پاسارگاد و تخت جمشید مجددا” نیم نگاهی به شیوه معماری پارسی افکنده می شود. مطالبی که پیرامون مقایسه این دو مجموعه ذکر می گردد از مجله گزارش های باستان شناسی نقل می شود: نکات و رموزی که در هر دوی این آثار بطور مشترک وجود دارند عبارتند از: الف) درگاه تالارهای پذیرایی و بار عام و تالار مشاوره که محل اجتماع سران قوم و عشایر و دستجات در جشن های ملی و مذهبی بوده همه جا پهن و مرتفع و با سنگ ساخته شده است، درحالی که درگاه تالارهای اختصاصی کم عرض و کم ارتفاع می باشند. ب) دورتادور ایوان و گاهی در تالارها سکوهایی از سنگ صیقلی شده برای نشستن ساخته شده بود که هم اکنون هم قسمتهایی از آن سکوهای سنگی در هر دو محل موجود است و جلب نظر می کند. ج) گرداندن یک حاشیه سنگی دورتادور بنا اطاق ها و ایوان ها از سنگ های صیقلی شده بسیار ظریف، همانطور که درحال حاضر یک ردیف کاشی قرمز سنگی در اطراف و پاکار اتاق ها می گردانند. د) بکاربردن مواد قرمز رنگ بجای چسب در محل اتصال سنگ ها و جای وصالی آن ها. ن) صیقلی کردن سنگ ها تا حدی که مثل آینه شفاف و صاف بودند و تصویر اشیاء و اشخاص در آنها منعکس می شده است. و) بکاربردن آجرهای بزرگ در طاق های ضربی و جاهایی که خشت خام تاب مقاومت نداشته است و به کار بردن ملات قیر بین آجرها با این تفاوت که آجرهای مجموعه پاسارگاد ضعیف ترند. ه ) بست های آهنی ( برنجی ) که جهت استحکام بنا دو سنگ را به یکدیگر متصل ساخته ، در هر دو مجموعه زیاد به کار رفته است . این بست ها به دم چلچله ای معروف شده اند . وصالی نقوش و سنگ هایی که معیوب بوده اند با یک تکه از سنگ دیگر و مخصوصا” در پاسارگاد و در کاخ اختصاصی کوروش بسیاری از این وصالی ها دیده می شود و چه بسا که تکه های وصالی شده در حدود یک یا دو سانتی متر مربع میباشند. ی ) ساختن دیوار های قطور خشتی در اطراف قصور و تالارها . سفید کاری اتاق ها با گچ و نقاشی بدنه اتاق و سقف با نقش و نگارهای مختلف و متنوع ، ر) گل های ۱۲ برگ که در همه جا زینت بخش نقوش برجسته سنگی تخت جمشید شده در پاسارگاد نیز دیده می شوند . برگ های پاسارگاد به جای یک خط ، دو خط موازی دارند و از این حیث بر نقوش تخت جمشید مزیت و برتری دارند. ذ ) درب های مجموعه پاسارگاد مانند درب های ورودی کاخ های « تچر « و « هدیش » ( مجموعه تخت جمشید ) یک لنگه ای می باشند و جای پاشنه درب و جای گردیدن درب ، در سنگ جا زده شده است. ژ) دور بودن بناها از یکدیگر در پاسارگاد و بعکس نزدیک بودن بناها نسبت به هم در تخت جمشید و نیز بسته و مسدود بودن آنها از اختلافات این دو مجموعه محسوب می شود که به عقیده پروفسور ( هرتسفلد ) بناهای تخت جمشید از این لحاظ به قصرهای آشور و بابل شباهت دارند .  ساختمانی در نزدیکی تخت جمشید واقع شده است و به کعبه زرتشت معروف شده است . این ساختمان که عملکرد واقعی آن هنوز شناخته نشده است از سنگ سفید و به صورت یک مکعب مستطیل محکم و ایستا ساخته شده است . به احتمال زیاد این ساختمان یکی از قبور پادشاهان هخامنشی است . برای ورود به صفه اصلی تخت جمشید صد و ده عدد پله تعبیه شده بود که این تعداد زیاد حکایت از ارتفاع کم آنها می کند. شیب این پله ها به قدری ملایم و حساب شده ساخته شده است که زیبنده این مجموعه باشکوه باشد .  بالا رفتن از این پله ها به دلیل شیب کم و تعداد زیاد آنها با مقاومت و آرامش صورت می گرفته است و حتی یک سوار کار با اسب نیز می توانسته به آرامی از آنها بالا برود . آرامگاه کوروش در پاسارگاد است . این آرامگاه بنای مربعی است که بر روی صفه شش طبقه سنگی و با سقف شیب دار بنا شده است بلندی این ساختمان حدود ۱۲ متر است .  http://asa.khuisf.ac.ir/DorsaPax/userfiles/Image/memari/1/13.jpg  آرامگاه کوروش |  |

**منبع:**

asa.khuisf.ac.ir